

ابداج: از صدها کتاب افول

EELAM

طوبی فاضلی پور، دبیر تاریخ (منطقه ۶ تهران)



سومری نام ایلام نیز آمده است. مردم ایلام دولت خود را انتزان سوسونکا می خواندند. مورخین عقیده دارند که ایلام لفظی سامی بوده و به قسمتی از کوهستان گفته می شده است. در کتبه های سارگن (۲۲۳۴-۲۲۷۹ ق.م) آمده که این شاه سعی داشته است که از پوشش ایلامی ها به سرزمین های بین النهرين جلوگیری نماید و از این زمان به بعد اطلاعات دقیقی در مورد تاریخ ایلام در منابع به چشم می خورد. کتبه سارگن درباره ساختار حکومت ایلام می گوید که اداره ایالات ایلامی بر عهده فرمانروایی است که تحت نظرارت نایب السلطنه انجام وظیفه می کند و نایب السلطنه به فرمان شاه به اداره امور می پردازد. در این لوح نام شوش نیز ذکر شده است. در آثار دیگری که از شوش به دست آمده است سنگ نوشته ای متعلق به عهد نرم سین (۲۲۱۸-۲۲۵۴ ق.م) شاه مقندر اکد یافت شده که به زبان ایلامی است. پادشاه اکد در صدد انعقاد پیمانی با دولت ایلام بود تا از این راه مانع تهاجم اقوام گوئی به بین النهرين شود. ساختار حکومتی ایلام موروئی بود و بعد از شاه حکومت به برادر او که نایب السلطنه بود می رسید و فرزند جانشین پدر نمی شد. اما به تدریج این شیوه تغییر کرد و فرزند ارشد شاه بعنوان اتحادیه ای در شوش اداره امور را عهده دار شد. البته منظور از شوش تمام جلگه است. بنابراین فرمانروایی ایلام به دست سه گروه پدر، پسر و برادر اداره می شد و متعاقب آن، ازدواج با محارم در خانواده های سلطنتی مرسوم شد. تشکیلات سیاسی ایلام به شکل ملوک الطوایفی بود و مراکز متعدد قدرت بخش های مختلف را اداره می کردند؛ روشی که ایلامی ها هیچ گاه توانستند آن را تغییر دهند. آنها با همین موقعیت فراز و نشیب های بسیاری را سپری و در مقابل هجوم اقوام دیگر ایستادگی کردند. از تمدن های هم زمان با ایلام اکد را می توان نام برد که تأثیر مستقیمی بر این تمدن داشت، زیرا زبان اکدی به طور کامل بعنوان زبان ایلامی استفاده می شد. اوج قدرت ایلام در زمان اوپناش گال (۱۲۴۵-۱۲۷۴ ق.م.) بود. این شاه ایلامی به ساخت معابد و سنگ یادمان توجه خاصی داشت. شاه در شهر دوراونتش (دوراونتش) در ۴۲ کیلومتری جنوب شرقی شوش اقامت داشت و زیگورات چغازنبیل را آن جا نهاد. دوران دیگری از شکوفایی تمدن ایلام به عهد سلطنت شوتروک ناهونته اول^۱ و پسرش کوتیرناهونته دوم^۲ و برادرش شیله‌اک این شوشیناک^۳ می رسد. در عهد آنها دولت ایلام از نیروی نظامی قوی برخوردار شد و با تکیه بر آن قلمرو خود را وسعت بخشید. تیجه توسعه قلمرو و تهاجم مکرر به همسایگان، کسب غنایم فراوان بود که انتقال لوح حمورابی، پیکره مردوک خدای بابل و لوح نرم سین به شوش حاصل آن است. شاهان ثروت پیش از حد این دوران را صرف ساخت و تعمیر بناهای عظیم کردند. ویژگی معماری این دوران نصب کتبه هایی در بنا بود که در هر رج آجریک رج کتبه نصب می شد که بر آن نام بینانگذار، شجره، عنوان و یادی

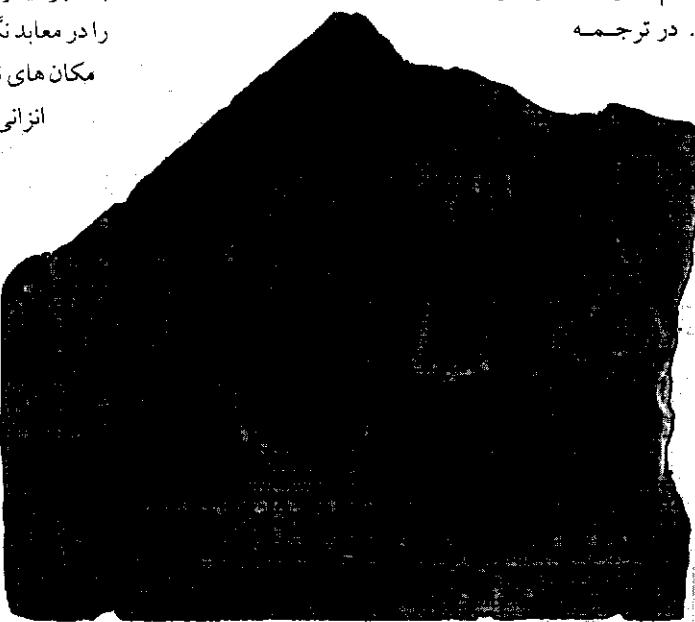
در کتاب تاریخ ایران ۱ می خوانیم که قرن ها قبل از ورود آریاییان به فلات ایران، در گوش و کنار این سرزمین مراکز تمدن مهمی وجود داشت که یکی از آنها، ایلام بود. منطقه ای که از روزگاران کهن به این نام خوانده می شد طبق تقسیمات جغرافیایی امروز شامل خوزستان، فارس، بوشهر، قسمت هایی از کرمان، لرستان و کردستان می شود و سرگذشتی بس طولانی دارد. حدود این تمدن از غرب به رود دجله، از شرق به قسمتی از پارس از شمال به جاده بابل به همدان و از جنوب به خلیج فارس می رسید. شهرهای مهم آن شوش، ماداکتو (کنار کرخه) و خایدالو (خرم آباد کنوی) بود. ایلامی ها فراز و نشیب های بسیاری را در دوران های تاریخی خود پشت سر گذاشته اند، اما به دلیل کمبود منابع و فقدان مدارک کافی و مکتوب و ناشناسی با مناطق جغرافیایی این تمدن، اطلاعات زیادی در این مورد موجود نیست. ایلامی ها دولتی بزرگ تشکیل دادند که می توان آن را به سه دسته یا دوره تقسیم کرد:

۱. دورانی که تاریخ ایلام با تاریخ سومر و اکد ارتباط کامل داشت و از زمان های کهن تا ۲۲۵۰ ق.م. به طول انجامید. در این دوران ایلام از نظر مدنیت از همسایگان غربی خود (بین النهرين) پست تر بود، زیرا قسمت اعظم اقوام ایلامی در کوهستان سکونت داشتند و سرزمین آنان از مسیر مراکز تجاری آن زمان که محل برخورد مظاهر تمدن ها بود فاصله داشت.

۲. دورانی که تاریخ ایلام با تاریخ بابل مربوط می شود (۷۴۵-۷۲۶۵ ق.م.). در این عهد شاهان معروفی می زیستند که با سیاست و درایت خاصی امور کشور را اداره می کردند و دوران سلطنت آنان اوج شکوفایی و قدرت ایلام بوده و به عصر طلایی ایلام معروف است. (فرهنگ دهدخدا ذیل ایلام)

۳. دورانی که دولت اشور رقیب ایلام بود (۶۴۵-۷۴۵ ق.م.). تمدن ایلام شامل دو منطقه کوهستانی و جلگه می شد. اما بخش کوهستانی آن به اندازه جلگه هایش شناخته شده نیست و قسمت اعظم اطلاعات از بخش جلگه ای آن یعنی شوش به دست آمده که مدت زمان زیادی پایتخت ایلام بوده است. منابع اولیه به دست آمده از ایلام به زبانی است که با هیچ یک از زبان های شناخته شده نسبت ندارد و به همین مناسبت برخی از آثار آن هنوز خوانده نشده است. اما در نهایت پیوند زندگی ساکنان کوهستان و دشت برای ایلام این امکان را به وجود آورده تا به سطحی عالی از تمدن برسند. جلگه های قابل آبیاری و حاصل خیز آن و کوهستان های غنی از چوب و سنگ های فلزی امکان این پیوند را فراهم ساخت. ایلامی ها نام سرزمین خود را هلتامتی Haltamti یا هلتامتی می نوشته اند که به معنی سرزمین خدا بود و بین النهرين ها آن را به معنی سرزمین مرفتفع می خوانندند. قدیمی ترین منبعی که نام ایلام در آن ذکر شده است احتمالاً به قرن ۲۷ ق.م. می رسد که در میان فهرستی از نام شاهان

دوران فتوحات و اوج قدرت ایلام با ظهور بخت النصر اول به پایان رسید. آنچه دولت ایلام را رو به ضعف بر جنگ‌های خانمان برانداز، استقرار عناصر نژادی جدید چون پارس‌ها، کشمکش برای کسب قدرت و حملات مکرر آشوری‌ها بود. تا در نهایت حمله آشور بانپیال به سال (۶۴۰ ق.م.) به اقدام آن خاتمه داد. شوش و شهرهای مجاور آن ویران شد. خزانه شاهان به غارت رفت. استخوان‌های شاهان گذشته و بزرگان از گورها درآورده و به نینوا فرستاده شد و آشوریان به کشتاری امان مردم دست زدند. رفتار وحشیانه آنان چنان بود که خرقیال نبی گفت «این ایلام است و تمام جمعیت آن در اطراف قبر آن همگی کشته شدند و همه از دم شمشیر گذشتند»^۱ بسیاری از مردم ایلام اسیر و به آشور فرستاده شدند. در ترجمه



قطعه‌ای از یک کاشی لعابدار قرن هشتم ق.م.

سبب واقع بودن در انتهای جاده‌ای که به ساردنی رفت، اهمیت ویژه‌ای یافت، زیرا محل تلاقی دو تمدن مهم بین النهرین و فلات ایران بود. گیرشمن عقیده دارد که کار شوش «دریافت داشتن، توسعه بخشیدن و انتقال دادن»^۲ بود. خزانه شاهان هخامنشی در شوش نگهداری می شد. در تمدن ایلام به بخشی از شمال شرقی شهر شوش انسان می گفتند که مدت زمانی بر دیگر مناطق تسلط داشت و نام آن چندین بار در کتبیه‌های بین النهرین آمده است. شاهان ایلام بسیاری از سپاهیان مزدور خود را از این منطقه جمع آوری می کردند. شاه بابل نبونید، کوروش را شاه انسان خوانده است. این شهر در سنگوکشته‌های پارسی افزان ذکر شده است. ایلامی‌ها به مانند بسیاری از تمدن‌های باستانی خدایان متعددی را می پرستیدند که مهمترین آنها این شوشیناک بود. پرستش این خدا به شاهان و کاهنان اختصاص داشت. آنان مجسمه و پیکره خدایان را می ساختند. انتقال این پیکره‌ها – که مظهر قدرت آنان بود – از شهری به شهر دیگر، ضعف و سستی آن شهرا نشان می داد. این پیکره‌ها را در معابد نگهداری می کردند. معبد یا زیگورات چغازنبیل یکی از مکان‌های نگهداری رب النوع های ایلامی بود. زبان ایلامی با ارزانی از قدیمی ترین زبان‌ها بود. دو مرگان عقیده دارد که در

۳۰۰۰ ق.م. این زبان منسوخ، و پس از آن زبان سومری

و سامی رایج شد، اما به فاصله‌ای کوتاه مجدداً زبان ارزانی متداول شد و در حالی که کتیبه‌ها به زبان سومری و سامی می نوشتند، به احتمال زیاد زبان محاوره‌ای مردم، ارزانی بود. الواح به دست آمده در تخت جمشید که شامل هزاران لوح است نشان می دهد که زبان ایلامی یکی از زبان‌های سه گانه عصر هخامنشی بوده است. صاحب نظران عقیده دارند که زبان ارزانی زبانی ترکیبی است و با همچ یک از زبان‌های شناخته شده نسبت ندارد، ترجمه اسناد کشف شده در دوران‌های بعد، امکان خواندن زبان ایلامی را فراهم ساخت. این زبان با ایلامی باستان تفاوت داشت زیرا خواندن زبان ایلامی اولیه بیشتر

با حدس و گمان همراه بود. خط پروتو-ایلامی که یک خط تصویری بود نخستین بار در حفاری‌های شوش کشف شد که شباختی به خطوط تصویری دیگر ندارد. در خط پروتو-ایلامی علامی را از چند جهت می نوشتند. برخی مواقع از بالا به پایین و گاهی از چپ و زمانی از راست. شباهت میان خط پروتو-ایلامی با سومری این بین را به وجود آورد که ایلامی‌ها این خط را از سومری‌ها اقتباس کردند و به تدریج به ساده کردن آن پرداختند تا در نهایت خط مستقلی شد. زمان تقریبی پیدایش آن را حدود (۲۹۰۰ ق.م) می دانند که از طریق جاده‌های تجاری به سرزمین‌های دیگر انتقال یافت و موجب ارتباط

کتاب‌های شاه آشوری (آشور بانپیال) آمده است که «خاک شهر شوش، شهر ماداکتو و شهرهای دیگر را تاماً به آشور کشیدم و در مدت یک ماه و یک روز کشور ایلام را به تمام عرض آن جاروب کردم. من این مملکت را از عبور حشمت گوسفند و نیز از یانغمات موسیقی بی نصیب ساختم و به درندگان مارها و جانوران کویر و غزال اجازه دادم که آنرا فرو و گیرند». با ظهور دولت هخامنشی به سال ۵۵۰ ق.م ایلام یکی از ولایات خراج‌گذار ایران و شوش یکی از پایتخت‌های شاهان هخامنشی شد. شاه ایران هر سال سه ماه را در این شهر سپری می کرد. کاخ‌های باشکوه در آن جا ساخته شد و به

ایرانشهر در کنار ویرانه‌های شوش بنا نکنند، اما پس از مدتی مجدداً نام شوش را بر شهر جدید نهادند. پس از چندی شاپور اسیران رومی خود را در آن جا ساکن کرد. ابوموسی اشعری در سال (۱۷ هـ ق) خوزستان را فتح کرد و به تدریج شوش رونق تجاری خود را بازیافت. در دوران اسلامی محصولات ایریشم، لیمو و نیشکر این شهر شهرت خاصی داشت اما با انتقال مرکز خوزستان به اهواز، شوش از رونق افتاد. پس از پیدایش علم باستان‌شناسی و رونق آن در قرن ۱۹ م، شوش مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفت و تلاش آنان موجب کشف آثار بسیاری از تمدن‌های باستانی گردید. آثار تمدن ایلام، بابل، هخامنشی، ساسانی و سایر دولتهای اسلامی در شوش کشف شد.

باستان‌شناسان فرانسوی چون دیو لا فتوار و عمر گان، بخش اعظم آثار به دست آمده را به موزه لوور انتقال دادند. امروز بسیاری از آثاری که تجلی تمدن کهن باستان ایران است - مثل نخستین چرخ کوزه‌گری، نخستین چرخ ازابه، آجرهای لعابدار کاخ شاهان، لوح حمورابی، کاشی‌های قصر اردشیر و کاخ فراوان داریوش در این موزه نگهداری می‌شود. شومن تا اوآخر قرن (۵ هـ ق) از شهرهای بزرگ ایران بود اما به تدریج اهمیت خود را از دست داد.

فرهنگی و اقتصادی ایلام با همسایگانش شد. در الواح به دست آمده شbahat این خط با سومری در اعداد آشکارتر است. البته باید توجه داشت که ایلامی هادر کل، اعداد را از سومری ها اقتباس نکرده‌اند. به تدریج خط پروتو-ایلامی به خط هجایی تبدیل شد و به سال ۱۹۶۱ م برای نخستین بار حدود ۴۰ علامت آن را شناسایی کردند. سرانجام این خط جای خود را به خط میخی داد. دکتر گیرشمن می‌نویسد که «خط ایلامی موجب شناخت آثار شوش و سبلک و سبلک و حدت میان تمدن این دو منطقه شد».^۷

نقش بر جسته مفرغی از ارگ شوش قرن ۱۲ ق.م.



زیگورات چغازنبیل (zigurat coqazanbil)

زیگورات لغتی تالیق پا‌آشوری است که به ساختمان هرمی شکل چند طبقه گفته می‌شود. این ساختمان از طریق پله به قسمت‌های بالا متصل بود و در بالاترین بخش آن معبد خدا ایان یا قربانگاه قرار داشت. این سبک معماری از هزاره چهارم به بعد در بین النهرين و سپس ایلام رایج شد، برای نخستین بار در پایان هزاره سوم قبل از میلاد زیگوراتی در شهر سومر بنا شد. هرودت مورخ یونانی از زیگوراتی در شهر بابل صحبت کرده است و به احتمال زیاد برج بابل نیز یکی از زیگورات‌های عصر خود بوده است. گیرشمن معتقد است چغازنبیل بزرگترین زیگورات عصر باستان می‌باشد. چغازنبیل تپه‌ای است در جنوب شرقی شهر شوش که با شهر دوران‌نشاش (Duruntasi) تمدن ایلام مطابقت دارد. در قرن (۱۲ ق.م) اونتاش هومیان یا اونتاش گال آن را بنا کرد. چغازنبیل از مراکز عمدۀ مذهبی ایلام بود. همه خدایانی که تحت سرپرستی این شوشاپاک خدای شوش و گال رب النوع بزرگ قرار داشتند در این جا جمع شده بودند. هدف از ساخت این معبد گردهم آئی گروه‌های مختلف مذهبی بود. این بنارایک توده مکعبی شکل پنج طبقه تشکیل می‌داد که طبقات

شوش (SUS-SUSA)

شوش یکی از مهمترین مکان‌های باستانی جهان است. در کتبی‌های میخی این سرزمین به نام شوشن (Susan) و در مأخذ اسلامی سوس (SUS) آمده است. در تورات و در وقایع دوران ایلام نبی و در کتاب استر نام شوش به چشم می‌خورد. این شهر از نظر جغرافیایی موقعیت مهمی داشت و محل برخورد تمدن‌های باستانی و از چهارراه‌های دنیاگرد نه تنها با غرب بلکه با هند نیز ارتباط تجاری داشت. شوش با سرزمین‌های اطراف مجموعه‌ای را تشکیل می‌داد که به آن هالتامی Haltami می‌گفتند و شامل نواحی مرتفع مشرف به دجله و فرات می‌شد و در دوران طولانی ایلام، پایتخت این تمدن بود و به مناسب این موقعیت، ایلام را سوزیان یا شوشان می‌خوانندند. ویرانی ناشی از حملات آشور مانع از رونق مجدد این شهر نشد، زیرا در دوران هخامنشی یکی از چهار پایتخت آن حکومت و مقرب زمستانی شاهان بود. خزانین سلطنتی آن جا نگهداری می‌شد. در عصر ساسانی شاپور دوم به دلیل نافرمانی ساکنان شوش، شهر را ویران کرد و دستور داد شهر جدیدی به نام

کتبیه‌های بین النهرين شد. همین امر ضرورت ذکر فهرست اسامی حکمرانان ایلامی و تاریخ فرمانروایی آنان را در انتهای این نوشته مختصر ایجاد کرد. فهرستی که حاصل مطالعات و زحمات آقای یوسف مجیدزاده در کتاب «تاریخ و تمدن ایلام» است با مروری مجدد و مقایسه با کتاب‌های زیر صورت گرفته است:

1. The last word of Elam, walter Hinz
 2. Elam, Surveys of Political history and archaeology, Elizabeth Carter and mathe W. stolper.

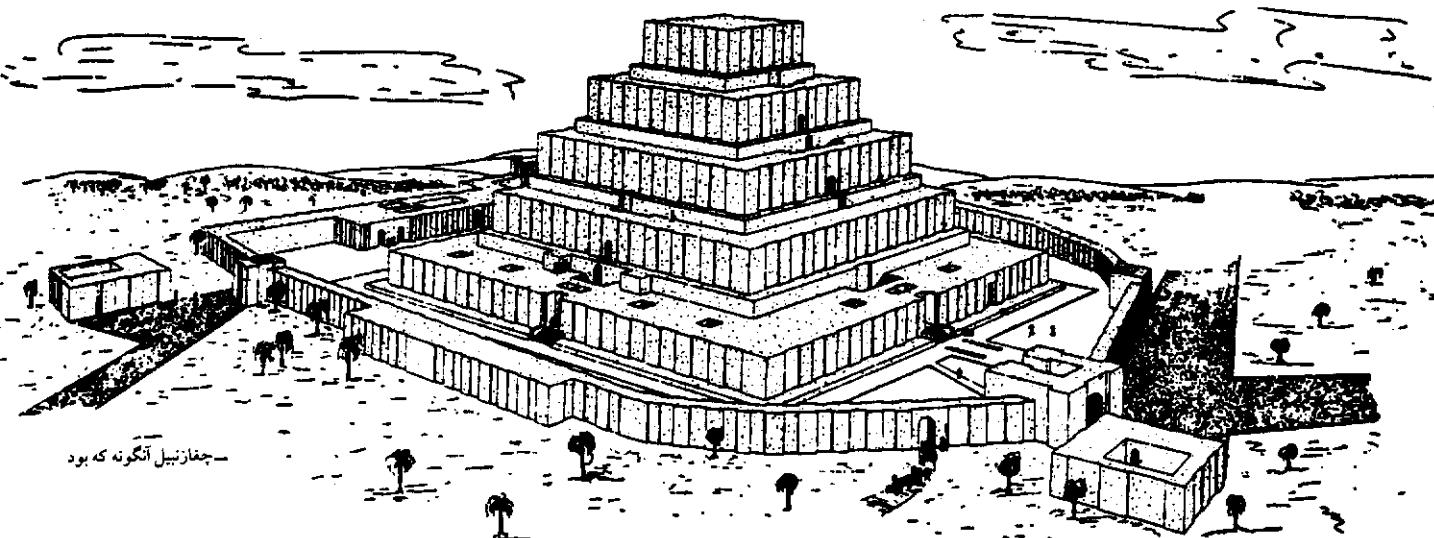
ساختار سیاسی ایلام، همان طور که ذکر شد از ویژگی های خاصی برخوردار بود و به صورت اتحادیه ای اداره می شد که به گونه ای، استقلال داخلی داشت. در رأس این اتحادیه حاکم بلند پایه ای قرار داشت که بر تعدادی از شاهزادگان تابع حکومت می کرد. در کنار حاکم برادر او به نام نایب السلطنه اداره امور را عهده دار بود و از نظر سنی س. از حاکم قرار مر. گفت.

شیوه موروثی حکومت موجب شد که فهرست فرمانروایان به شکل انتقال حکومت از برادر به برادر و برادرزاده یا خواهرزاده و در برخی اوقات از بذر به پسر آورده شود. این در حالی است که بعضی مواقع رشته جانشینی شاهان اسلامی قطع شده است. نام سلسله ها به ترتیب آوان، سیماش (سیماشکی) اپرتو و سپس دوران ایلام میانی و ایلام جدید می باشد. آقای مجیدزاده در کتاب خود با توجه به مقابله کتاب های مختلف پژوهشگران، نظر آنان را با خطوط رنگین، در فهرست شاهان اسلام مشخص کرده است و این خود راهنمای خوبی است جهت اطلاع بر تأیید حکومت خاندان های اسلامی بر آن سرزمین. پژوهشگرانی چون هبتسن و استالپر تحقیقات برداشته ای در تمدن ایلام دارند. مطالعه در زبان ایلامی بیانگر ارتباط فرهنگی و اقتصادی ایلام با همسایگان و تمدن های هم عصر می باشد زیگورات جغازنبیل مظہری از نفوذ مذهب بر فرمانروایان و مردم ایلام است؛ مذهبی که دارای ویژگی های کاملاً مشخص و متمایز

آن از سطح زمین به بالا روى هم قرار داشتند و ارتفاع آن ۵۰ متر بود.
شکل اولیه زیگورات به جهت اهمیت بنای مذهبی تغییر کرد و معبد
اصلی را به برج پله دار تبدیل کرد و به آن زیگورات یا به زبان ایلامی
زاگراتو (زگرتون) خواندند. ویژگی های معماری زیگورات چغازنبیل
بر خلاف زیگورات های بین النهرين، در آن بود که در چند سمت با
پلکان های سقف دار به طبقات بالا وصل می شد. طبقه اول با پلکانی
به طبقه دوم متصل بود و طبقه دوم از سطح حیاط با پلکانی مجزا به
طبقات بالاراه داشت. تها کاهنان، که مجریان مراسم مذهبی بودند
و خانواده شاهی، اجازه ورود به بالاترین طبقه زیگورات را داشتند،
زیرا آن مکان را محل سکونت خدا می دانستند. برای ساخت بنا از
آجر های لعابدار آبی و سبز استفاده می کردند. فضای ازاد معبده محل
برگزاری مراسم بود. در سال (۶۴۰ق.م.) آشوری ها این معبد را
ویران ساختند. ویرانه های آن اولین بار توجه یکی از امّورین شرکت
نقش انگلیسی به نام براون (Braun)، را جلب کرد و به سال (۱۳۱۴)
هـ. ش) هیأت حفاری شوش در آن جا مشغول کاوش های علمی
شد که حاصل آن کشف معبد، کاخ ها و گورهای متعدد بود. ارتفاع
فعلی زیگورات چغازنبیل ۲۵ متر است.

* * *

مطالعه تاریخ ایلام و نظری گذرا بر اقدامات شاهان در عصر طلایعی این تمدن، مارا متوجه می کند که ایلامی ها از دوران های او لیه تاریخ خود مدرک کتبی بر جای نگذاشته اند و تنها نام آسان در چند کتیبه اکدی آمده است، که در آنها بیشتر به نام شوش یعنی منطقه جلگه ایلام اشاره شده است. ساکنین جلگه پس از کشمکش های بسیار با کوه نشینان توانستند حیات سیاسی خود را آغاز کنند و حدت سیاسی ایلام با اتحاد ایالات و بیشتر هم از طریق ازدواج های سیاسی استحکام یافت. همان طور که ساکنین بین النهرين به منابع و محصولات غنی ایلام نیاز داشتند، ایلامی های نیز برای دست یافتن به ثروت های تمترک در شهرهای بین النهرين، آن سرزمین را بارها مورد تهاجم قرار دادند و این تاخت و تازها موجب ذکر نام آسان در



اپنی - لوہن Enpi-luhhan	هوتان - تمتی hutran-temti	کیندتو kindattu	ایندتو (ایندتو - این شوشنیاک) Indattu	تَن/دَنْ - روهراتیر Tan/Dan-Ruhuratir	اپرتی (دوم) Eparti	اینداتو (اینک توی دوم) Indattu	اینداتو - نپیر Indattu-napir	اینداتو - تمتی Indattu-temti	« فهرست سلسله اپرتی (ایلام قدیم) بر مبنای نظریه هیتس » ۱۸۰۰ - ۱۵۵۰ ق. م.
اپرتی Eparti	شیلهه شilhaha	شیروکدوه (اول) Shirukduh	شیمودت - وَرَش شimut. Wartash	سیو - پَلَر - هوپیک Siwe- Palar _ hupak	کودوزولوش (اول) Kuduzulush	Kutir- Nahhunte - ناهونته (اول)	Lila-ir-tash	تمتی - اگون temti-agun	تَن/ دَن (اول) Tan/Dan Uli
لیل - ایر - تَش	تمتی - هلکی Temti- halki	کوک - نشور (دوم) Kuk-Nashur	تمتی - رپتاش Temti-raptash	کودوزولوش (سوم) Kuduzulush	تَت (دوم) Tata	ات - مَر - هلکی atta-mera-halki	پَلَر - ایشن Palar-ishshan	کوک - کیروش Kak-Kirwash	کوک ناهونته Kutir - Nahhunte
اوکو - ناهونته (دوم) Kutir - Nahhunte	پَلَر - ایشن Palar-ishshan	کوک - کیروش Kak-Kirwash	کوک ناهونته Kutir - Nahhunte	پَلَر - ایشن Palar-ishshan	لوب - ایشن lub-ishshan	اوکو - تَنھیش Ukku-Tanhish	هیشور (هشیوتش) Hishur	شوشون - تَرَن Shushun- tarana	نپی - ایلهوش Napi-ilbush
« فهرست اسامی شاهان ایلامی میانی بر مبنای نظریه استولپر ^۱ » ۱۴۵۰ - ۱۱۰۰ ق. م.	تَپتی - آهَر tepti-ahar	هورپتیل Hurapatila	(ige) ایک - هلکی (۱) Ike-Halki (۱)	پَهِر - اشن Pahir-Ishshan	hité	هیشور (هشیوتش) Hishur	کیکو - سیو (اسیم) kikku-siwe-temti	لوه - ایشن lub-ishshan	پلی Peli
Inshushinak-Shar-ilani	تَن/ دَن - روهراتیر (دوم) tan/Dan-Ruhuratir	Kidinu	پَهِر - اشن Pahir-Ishshan	آتر - کیته Attar-Kitah	hishep-ratep **	ناخستین حکومت سه نفره ایلام در این زمان بدیدار شد.	Zinubá	TaTa	تَت

خود می باشد و در عین حال نکات مشترکی باتمدن بین النهرين دارد. شرح تفصیلی اعتقادات ایلامی ها و مسائل تاریخی آن سرزمین، با ارائه فهرست منابع در انتهای این مقاله می تواند مورد استفاده قرار گیرد. هنر ایلامی متأثر از هنر بین النهرين بود، اما در زمینه پیکره سازی، تزیین طریف، نقوش برجسته، معماری، کاشی سازی، ساخت اشیاء فلزی و چینی از ویژگی های خاصی برخوردار می باشد. مدارک، اوج شکوفایی فرهنگ و تمدن ایلام را از اواسط نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد نشان می دهد، که امروزه از آن همه آثار چیز زیادی باقی نمانده است. شرح این عظمت یافانگر موقعيت جغرافیایی ایلام بخصوص شوش و اهمیت و نقش آن در مبادلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن عصر می باشد. حملات وحشیانه آشوری ها غروب غم انگیزی را برای این تمدن رقم زد تا بدانجا که هر چند در دوران هخامنشی شوش رونق مجددی یافت اما هرگز توانست شکوه گذشته اش را به دست آورد و همچنان نام این شهر در سایه عظمت باستانیش به یاد مانده است.

« فهرست شاهان سلسله آوان بر مبنای نظریه کامرون » ۲۵۰۰ - ۲۲۰۰ ق. م.

بُلی	Peli
تَت	TaTa
اوکو - تَنھیش	Ukku-Tanhish
هیشور (هشیوتش)	Hishur
شوشون - تَرَن	Shushun- tarana
نپی - ایلهوش	Napi-ilbush
کیکو - سیو (اسیم)	kikku-siwe-temti
لوه - ایشن	luh-ishshan
هیشب - راتپ **	hishep-ratep **
** نخستین حکومت سه نفره ایلام در این زمان بدیدار شد.	Zinubá
زینوب	Helu
هلو	hitá
بُوزور (کوتیک)	بُوزور (کوتیک) این - شوشنیک Puzur (kutik)-in-shushinak
احتمال می دهند شوستر امروز منطقه آوان بوده باشد.	نه هست اسامی شاهان سلسله سیماش - سیماشکی بر مبنای نظریه کامرون و هیتس پس از سلسله آوان یک چند ایلام دچار فترت بوده است تا سلسله سیماش قدرت را به دست گرفته است.
Girnamme	گیرنم Girnamme
نَزِيت	Nazit
اپرتی (اول)	Eparti
نَزِيت (دوم)	Nazit

۵. همان مأخذ ص ۱۳۹ - ۱۴۰ .
 ۶. گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام ترجمه معین، محمد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹ ، ص ۳۸ .
 ۷. همان مأخذ ص ۳۲ .

فهرست منابع فارسی

۱. اسلام و تمدن دیرینه آن- افشار سیستانی، ایرج، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲ .
 ۲. ایران در سپله دم تاریخ، گلن، جورج، ترجمه حسن اتوše، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۴ .
 ۳. ایران از آغاز تا اسلام، گیرشمن، ر. ترجمه محمد معین تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۹ .
 ۴. آثار و بنای تاریخی خوزستان، اقتداری، احمد، مؤسسه فرهنگی نشر اشاره، ۱۳۷۵ ج ۱ .
 ۵. بین النهرين باستان رو- زر ز ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر آبی، ۱۳۶۹ .
 ۶. بین النهرين و ایران باستان، ادگاریوسن، ماکس، مالیوان، ترجمه رضا مستوفی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ .
 ۷. پیدایش انسان و آغاز شهرنشینی، فضائی، یوسف، کتابهای سیمین، ۱۳۵۶ .
 ۸. تاریخ سرزمین اسلام از روزگار باستان تا انقراض حکومت والیان لرستان و ایلام، راد، ناصر، تهران، ارغون ۱۳۷۴ .
 ۹. تاریخ سیاسی ایلام باستان، میرسعیدی، ناصر، تهران، کتاب سیامک، ۱۳۷۵ .
 ۱۰. تاریخ و تمدن ایلام، مجیدزاده، یوسف، تهران مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱ .
 ۱۱. تاریخ اجتماعی ایران، راوندی، مرتضی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴ ، ج .
 ۱۲. تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان، مشکور، محمدمجود، دانشسرای عالی، ۱۳۷۴ .
 ۱۳. تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان شناسی، هرتسفلد، ارنست، ترجمه علی اصغر حکمت، انجمن آثار ملی ۱۳۵۴ .
 ۱۴. تاریخ جهان باستان، کارژردن، نیکولسکی ... ترجمه صادق انصاری، تهران اندیشه ۱۳۵۰ .
 ۱۵. تاریخ عیلام، آمیه، پیر، ترجمه شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۲ .
 ۱۶. تاریخ ایران، سری سی سایکس، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی چاپ انتشارات کتب ایران ۱۳۴۳ .
 ۱۷. تاریخ مردم ایران، زرین کوب، عبدالحسین، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۸ ، ج ۱ .
 ۱۸. حضرات چقامیش، گزارش های چهارمین مجمع سالانه کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران، موزه ایران باستان، دوازدهم تا هفدهم آبانماه ۱۳۵۴- ۱۹۷۴ (۱۳۵۴- ۱۳۷۵) کنکور، هلن .
 ۱۹. سیری در تاریخ ایران باستان، شایان، فریدون، تهران، رز، ۱۳۵۱ .
 ۲۰. دنیای گمشده عیلام، هیتن، والت ترجمه فیروز فیروزیان، تهران، مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱ .

هومبان- نومن Humban-numena

اوتش- گال (نایپریشا) Untash-Gal

اونپتر- گل Unpatar-Gal

کیدین- هوتران kidin-Hutran

هلوتوش- این- شوشیناک Hallutush-in-shushinak

شوتروک- ناهونته Shutruk-Nahhunte

کوتیر- ناهونته Kutir-Nahhunte

شیلهاک- این- شوشیناک Shilhak-in-shushinak

هوتلوتوش- این- شوشیناک Hute- Lutash- in- Shushinak

شلهین- همو- لکمر Shalhina- hamru- lakamar

فهرست اسامی شاهان ایلام جدید بر مبنای نظریه استولپر ۷۴۳ - ۵۰۰ ق.م.

هومبان- نیکش Humban-nikash

شوتروک- ناهونته (دوم) Shutruk-Nahhunte (dوم)

هلوشو- این- شوشیناک Hallushu-in-Shushinak

کودور- ناهونته Kudur-Nahhunte

هومبان نیمن Humban-nimena

هومبان- هلتش (اول) Humban-haltash

هومبان هلتش (دوم) (در ماداکتو)

شیلهک- این- شوشیناک (دوم) (در شوش) Tempti Humban-Inshushinak

تمریتو Tammaritu

هومبان- نیکش (دوم) (در ماداکتو) Humban-Nikash

آت- همیتی- این شوشیناک (در شوش) Atta-hamti

۱. از ایگ- هلتکی کامرون و لاپوشایل نیز در فهرست اسامی شاهان با استولپر هم عقیده هستند.

۲. هخامنش از خاندان پارس هم عصر این شاه ایلامی بود و در انشان حکومت می کرد.

۳. چیش پیش هخامنشی همدوره این شاه ایلامی بود.

* هیتس معتقد است که حد فاصل تنی چند از شاهان آوان افراد دیگری نیز فرمانروا شده اند که با نام هیشب راتب اول و زینوب نشان داده شده است.

می نوشت:

1. Shutruk-Nahhunte

2. Kutir-Nahhunte

3. Shilhak-Inshushinak

۴. پرینیا، مشیر الدوّله حسن، تاریخ ایران باستان، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۰ ، ج ۱ ص ۱۳۹ .